

ارائه الگوی اجرای خطمشی فقرزدایی در ایران براساس سند چشم‌انداز بیست ساله

فاطمه ثنایی اعلم*، غلامرضا معمارزاده طهران**، کرم‌اله دانش‌فرد***

چکیده

با توجه به اهمیت موضوع فقر و حضور و گسترش آن در جامعه ایران، هدف این پژوهش، طراحی مدل اجرای خطمشی فقرزدایی در ایران بوده است. به این ترتیب، عوامل موثر بر اجرای خطمشی‌های فقرزدایی در سه عرصه خطمشی‌گذاری، نهادی و عرصه خرد، طبقه‌بندی نظری شده‌اند. محقق جهت دستیابی به اهداف پژوهش، از روش تحقیق دلفی استفاده کرده است که با اتکا به مبانی نظری و مطالعات میدانی اقدام به شناسایی و تأیید اعتبار محتوای ۸۵ شاخص موثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی شد. در ادامه، تعداد ۱۵ نفر به‌عنوان اعضای پانل دلفی از بین قانون‌گذاران مطلع در عرصه خطمشی فقرزدایی با ویژگی‌های مربوطه انتخاب شدند. در دلفی توافق لازم با مقدار آماری تاو کندال ۰/۸۱ به‌دست آمد. یافته‌های دلفی نشان داد که از بین شاخص‌های اولیه، ۲۱ مولفه حذف شده و تعداد ۶۴ مولفه به‌عنوان مولفه‌های موثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی مورد توافق قرار گرفته است. همچنین تحلیل فازی یافته‌های پژوهش نشان داده است که از بین ۶۴ شاخص به‌دست آمده، تعداد ۲۹ شاخص اثر معتبری بر متغیر وابسته گذاشته که این شاخص‌های پذیرفته شده، به‌ترتیب ضریب تأثیرگذاری، چهار عامل محیطی کلان؛ روابط افقی بین سازمانی؛ تأثیر بازخورد جمعیت هدف و درنهایت متغیر شکل‌گیری خطمشی را شکل داده‌اند. درنهایت، میزان توان اجرای خطمشی فقرزدایی در سند چشم‌انداز با توجه به یافته‌های به‌دست آمده، برابر با ۱/۰۵۹ (خیلی ضعیف) بوده است. براساس نتایج، پیشنهاد می‌شود که دولت در عرصه سیاست‌گذاری به‌صورت اقتداری وارد عمل شده و در عرصه خرد رویکرد تعاملی، ترغیبی و مبتنی بر مشارکت اتخاذ کند.

کلیدواژه‌ها: فقرزدایی؛ اجرای خطمشی؛ حکمرانی؛ روش دلفی؛ تحلیل فازی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۰۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

* دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

** دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول).

E-mail: gmemar@gmail.com

*** دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱. مقدمه

فقر که نمودی از توسعه‌نیافتگی است، مشکلات مختلفی را در ابعاد گوناگون برای جوامع به بار می‌آورد. از این‌رو، موضوع فقر از طرف تمام کشورهای جهان دارای اهمیت زیادی بوده و برای از بین بردن یا کاهش وسعت آن برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا می‌کنند؛ بنابراین سنجش فقر و نیز راه‌های مختلف فقرزدایی در دهه‌های اخیر اهمیت بیشتری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته پیدا کرده است [۲].

فقر همواره به‌صورت یک معضل جهانی فراروی جامعه بشری بوده است؛ اما از اواخر دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۸۰ به‌دلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزادسازی و خصوصی‌سازی توسط بسیاری از صاحب‌نظران، مقوله فقر و حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر مورد توجه بسیار قرار گرفت. در این میان، سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰، چارچوب برنامه چند بعدی خود برای کاهش فقر در جهان ارائه داد که به سند «اعلامیه هزاره» مشهور است. در راستای این اعلامیه، سازمان ملل سند «اهداف توسعه هزاره»^۱ را طراحی کرد. این سند مشتمل بر هشت هدف مرتبط و به‌هم‌پیوسته است که به‌منظور کاهش چشمگیر سطح فقر در جهان تا سال ۲۰۱۵ میلادی، طراحی شد. اما اجرای آن با مشکلاتی روبه‌رو شد؛ به‌طوری‌که تحقیقات نشان داد در سال‌های بعد از تصویب این سند، میزان فقر در همه سطوح آن در جهان روبه افزایش بوده است.

بررسی تاریخی این اقدامات انجام شده در ایران نیز نشان می‌دهد که هرچند از آغاز شکل‌گیری حکومت مرکزی رضاشاه پهلوی، برای اولین بار، پدیده فقر به‌عنوان یک مسئله مهم ملی معرفی شد؛ اما مبارزه با فقر و فقرزدایی در سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریتی کشور در سطح خرد و کلان آن مشاهده نشده است؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئله فقر مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که در اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی، مسئله فقر و رفاه اقشار آسیب‌پذیر به صراحت مورد توجه قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی علاوه بر تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه میان‌مدت (پنج ساله)، اقدامات دیگری در جهت فقرزدایی و مقابله با فقر طراحی و به اجرا درآمده است. از جمله این اقدام‌ها می‌توان به سیاست یارانه‌ای گسترده بعد از انقلاب اشاره کرد و همچنین اقدام‌هایی که در زمینه کنترل جمعیت و اصلاح ساختار اقتصادی، خصوصی‌سازی و آزادسازی یارانه‌های دولتی اشاره کرد که در آخرین اقدام، توزیع یارانه نقدی انرژی به عموم مردم در حال اجرا است.

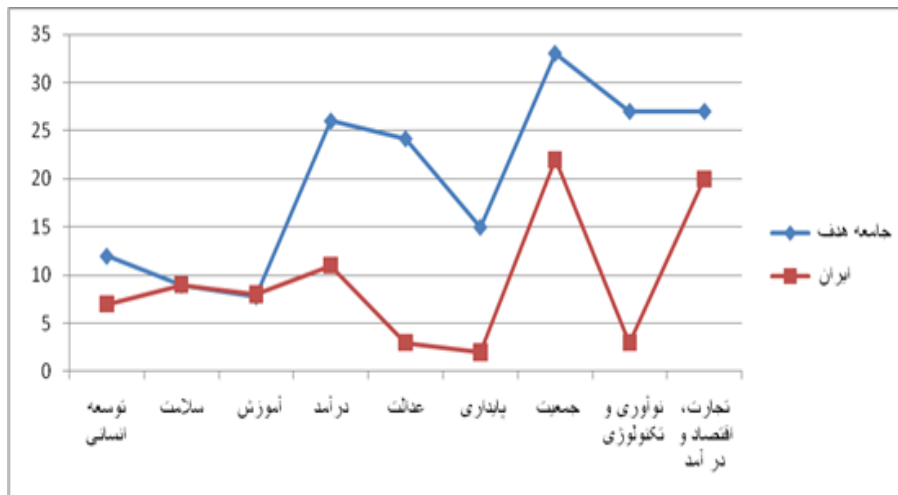
1. UN Millennium Declaration

2. Millennium Development Goals

در تحلیل نظری مفهوم فقر، از متغیرهای متفاوتی استفاده می‌شود که شاخص‌های متفاوتی را برای اندازه‌گیری و شناسایی فقر مدنظر قرار می‌دهند [۶]. طبق تعاریف به‌عمل آمده از فقر، این پدیده با همه ساختارهای کلان اجتماع اعم از: ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ارتباط تنگاتنگ است و نمی‌توان آن را تنها در حوزه مادی و در ارتباط با ساختار اقتصادی قرار داد؛ بنابراین لازم است در برخورد با فقر با عنوان فقرزدایی، خط‌مشی جامعی داشته که همه جنبه‌های فقر را مدنظر قرار داده و در اجرای آن همه سطوح ساختاری را در مبارزه با آن درگیر کند؛ با این وجود، تدوین و اجرای چنین خط‌مشی مشخص و جامعی تاکنون در ساختار مدیریتی کشور مطرح نشده است [۷].

الوانی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که در میان مصوبه‌های قانونی مجلس شورای اسلامی در سی سال گذشته، هیچ قانون یا برنامه‌ای که به‌طور مشخص در زمینه فقرزدایی تهیه و تصویب شده باشد، وجود نداشته و تنها در این زمینه لایحه‌ای با عنوان «فقرزدایی در کشور ج.ا.ایران» در سال ۱۳۷۵ تقدیم مجلس شده است؛ اما با تغییر دولت، لایحه مذکور مسترد شده و پس از آن نیز هیچ خط‌مشی جامع و منسجمی در زمینه فقرزدایی تهیه و ارائه نشده است. هرچند در سال ۱۳۷۹ سندی با عنوان «برنامه مبارزه با فقر» از سوی دولت تنظیم شده و در سال ۱۳۸۴ نیز در هیئت دولت، گزارشی با عنوان «سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها» به صورت تصویب‌نامه هیئت وزیران تأیید شده است؛ اما هیچ‌یک از آنها در قالب یک برنامه عملیاتی و کاربردی تهیه نشده‌اند و نمی‌توان هیچ‌یک از این موارد را به منزله یک خط‌مشی فقرزدایی مناسب و قابل اجرا در نظر گرفت [۸].

با این وجود، یکی از معتبرترین سندهای بالادستی که بعد از تصویب قانون اساسی تدوین شده است و در آن به‌صورت جدی مبارزه با فقر در دستور کار قرار گرفته است، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران است که محور اصلی اجرای پژوهش حاضر قرار گرفته است. یکی از اهداف اصلی این سند، مبارزه ریشه‌ای با پدیده فقر در کشور است. در شکل ۱ وضعیت فعلی کشور در مقایسه با وضعیت کشورهای رقیب و مورد توجه سند، در زمینه مؤلفه‌های مرتبط با فقر که در سند مطرح شده‌اند، مقایسه شده است:



شکل ۱. مقایسه وضع فعلی کشور برحسب اهداف سند چشم‌انداز در مقایسه با کشور مجازی منطقه سند چشم‌انداز (منبع: محقق)

ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور با استناد به آمار منتشرشده از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ در سال ۲۰۱۳ حاکی از فاصله اهداف سند چشم‌انداز و شکاف بین وضع مطلوب و وضع موجود در ابعاد مختلف فقرزدایی (توسعه انسانی^۲ شامل سلامت^۳، آموزش^۴، درآمد^۵، عدالت^۶، پایداری^۷، جمعیت^۸، نوآوری و فن‌آوری^۹ و درنهایت تجارت، اقتصاد^{۱۰}) است که در شکل ۱ ترسیم شده است. این شاخص‌ها در واقع ارتباط تنگاتنگی با هدف مبارزه با فقر دارند و هرکدام بخشی از آن را شکل می‌دهند؛ بنابراین طی این مقایسه، می‌توان پی‌برد که براساس چشم‌اندازی که در سند موردنظر مورد انتظار بوده است، ختمی‌های مبارزه با فقر در اجرا موفق عمل نکرده و تا به امروز فقر در جامعه ایران به‌عنوان یک مسئله اساسی مطرح است؛ لذا سوالی که مطرح می‌شود این است که با توجه به هدف فقرزدایی در

1. United Nation Development Program, <http://www.undp.org/>
2. Human development
3. health
4. Education
5. Income
6. Inequality
7. Sustainability
8. Demography
9. Innovation & Technology
10. Trade & Economy

ایران و فعالیت نهادهای حکومتی در مبارزه با فقر به صورت موازی، خط‌مشی فقرزدایی در ایران باید به چه شکلی اجرا شوند؟

۲. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌ها و مدل‌های اجرای خط‌مشی. برای نیل به اجرای موفق خط‌مشی‌ها یا سیاست‌های اجرایی، مدل‌های مختلفی ارائه شده است که از بین آنها می‌توان به مدل‌های اصلی و بنیادی اجرای مطلوب خط‌مشی‌ها از جمله نظریه اقتصادی میل‌تون، مدل چندبعدی اسمیت، مدل هرمی یا تلفیق درونی آتزیونی، مدل چند جریان کینگ دان، مدل ماژرزاک، مدل اقتصاد سیاسی وامسلی و زالد و نظریه پل سبتیر و دانیل مازمانیان اشاره کرد. همچنین، پژوهشگران زیادی در این باره نظر داده‌اند. با توجه به گستردگی نظرات پژوهشگران در این باره، با بررسی مبانی نظری و تجربی این حوزه، در یک جدول به جمع‌بندی برخی از مدل‌های اجرای خط‌مشی و عوامل و موانع موثر معرفی شده، پرداخته شده است:

جدول ۱. جمع‌بندی نظرات دانشمندان و محققین در زمینه اجرای خط‌مشی

نام محقق و نظریه پرداز	سال مطالعه	حوزه مطالعه و شرح دیدگاه‌ها
اسپارت کای	۲۰۱۵	عوامل موثر بر اجرای خط‌مشی عمومی شامل انگیزه مجریان خط‌مشی، قدرت اجرا از طریق منابع رسمی و غیر رسمی، اطلاعات و دانش فنی لازم و تعاملات بین عاملین اجرا می‌شود.
الوانی، پورعزت و نجابت	۲۰۱۵	علل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی ایران در زمینه فقرزدایی عبارت است از: کوتاهی و غفلت خط‌مشی‌گذاران، ناکارآمدی سیستم خط‌مشی‌گذاری و پیچیدگی و گستردگی مسئله فقر.
تایو مکینده	۲۰۱۴	مشکلات و موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در کشورهای در حال توسعه عبارت‌اند از: عدم فساد، عدم تداوم در سیاست‌های دولت، منابع مالی و انسانی ناکافی
پاپیم دالیویدا	۲۰۰۸	عوامل موثر در شکست اجرا: فقدان حمایت سیاسی، منابع مالی محدود، محدودیت‌های موجود در ظرفیت نهادی، همکاری ضعیف در سطوح محلی
ساموئل استالی	۲۰۰۶	عوامل موثر در شکست اجرا: با تکیه بر نقش بازار و مکانیزم‌های اقتصادی غلبه ابعاد سیاسی بر اقتصادی و غلبه مقامات رسمی بر نیروهای بازار، عدم هماهنگی، دغدغه‌های سیاسی با اهداف خط‌مشی، فرایند قانون‌گذاری و تقنینی نامطلوب در خط‌مشی‌گذاری، عدم تدوین روشن اهداف، در دسترس نبودن مکانیزم‌های لازم اجرایی، نبود حمایت سیاسی لازم، عدم توانایی پردازش اطلاعات، محدودیت دانش مجریان

جدول ۱. جمع‌بندی نظرات... (ادامه)		
سو ژانگ و راینی	۲۰۰۶	عوامل موثر در شکست اجرا: روشن و مشخص نبودن اهداف خطمشی، عدم پویایی خطمشی‌ها، بی‌توجهی به ظرفیت‌های اجرایی موجود
اسکات	۲۰۰۴	عدم پایش اثربخشی خطمشی‌ها، درگیر نکردن دریافت‌کنندگان خطمشی با تصمیم‌گیرندگان خطمشی‌ها در تحلیل‌ها و مراحل تدوین، عدم ادغام تحلیل‌های اجتماعی و اقتصادی، عدم تعیین نحوه تأثیر خطمشی‌ها بر ذی‌نفعان
مورتن اگیبرگ	۱۹۹۹	عوامل موثر بر شکست اجرا: روشن نبودن وظایف و مسؤلیت‌های دستگاه‌های اجرایی، نبود ارتباطات کافی بین دستگاه‌های اجرایی
پاپادوپولس	۱۹۹۸	نادرستی نظریه خطمشی و نبود یک نظریه علی معتبر، وجود زنجیره‌های طولانی علیت و سلسله مراتب علت و معلولی بسیار، نبود زمان و منابع کافی و در دسترس، نبود ترکیب مناسبی از منابع برای دسترسی، محدودیت‌های فلج‌کننده خارجی، عدم بازبینی عمده در قوانین
سایاتیر و مازمانیان	۱۹۹۶	شرایط اجرای اثربخش خطمشی: ۱. اهداف مشخص و روشن ۲. روابط علت و معلولی و داشتن مبنای تئوریک ۳. یک تثبیت‌کننده و یک رهبر با مهارت‌های سیاسی و مدیریتی ۴. حمایت خطمشی‌ها از سوی قانون‌گذاران، مقامات اجرایی، مراجع قضایی و گروه‌های هدف ۵. توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی
کالیستا	۱۹۹۵	الف) موانع اجرا: ۱. ناکافی بودن منابع ۲. ابزارهای نامناسب ۳. انحرافات ناشی از نیت سیاسی ۴. نارسا بودن طرح‌های اولیه ۵. عدم تعهد لازم مجریان خطمشی. ب. عوامل یا متغیرهای موثر در اجرا: ۱. عوامل درونی شامل تنظیمات قدرت یا اختیارات، ترکیبی شبکه‌ها و محل‌های اجرا ۲. عوامل بیرونی شامل آراء عمومی، نهادهای تفسیرکننده و اشخاص
وینتر	۱۹۹۰	متغیرهای مربوط به فرایند صورت‌بندی خطمشی، متغیرهای مربوط به اجرای سازمانی و بین‌سازمانی، متغیرهای مربوط به رفتار بوروکرات‌های سطح خیابان (افراد کی که وظیفه تحویل خدمات دولتی به گروه هدف یک قانون به عهده آنهاست؛ مانند ممیزین مالیاتی) و متغیرهای مربوط به واکنش گروه هدف و تغییرات جامعه
آلیش و پتاک	۱۹۸۶	عوامل موثر بر شکست اجرا: فقدان توجه به اثرات جنبی غیرمنتظره و میزان ناسازگاری آنها، فقدان توجه به اثرات مورد نظر در گروه‌های هدف
ریچارد المور	۱۹۸۰	بررسی فرایند اجرای خطمشی در قالب چهار مدل سازمانی: ۱. مدل مدیریت سیستم‌ها ۲. اجرا به‌عنوان فرایند بورکراسی ۳. اجرا به‌عنوان توسعه سازمانی ۴. اجرا به‌عنوان تعارض و چانه‌زنی
کالیستا	۱۹۹۵	الف) موانع اجرا: ۱. ناکافی بودن منابع ۲. ابزارهای نامناسب ۳. انحرافات ناشی از نیت سیاسی (زدو بندهای سیاسی) ۴. نارسا بودن طرح‌های اولیه ۵. عدم تعهد لازم مجریان خطمشی ب) عوامل یا متغیرهای موثر در اجرا: ۱. عوامل درونی شامل تنظیمات قدرت یا اختیارات، ترکیبی شبکه‌ها و محل‌های اجرا ۲. عوامل بیرونی شامل آراء عمومی، نهادهای تفسیرکننده و اشخاص

جدول ۱. جمع‌بندی نظرات... (ادامه)		
متغیرهای اجرا: ۱. استانداردها و اهداف ۲. منابع ۳. ارتباطات بین سازمانی ۴. ویژگی‌های موسسه‌های اجرایی ۵. ویژگی‌های شخصیتی مجریان ۶. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی	۱۹۷۵	ون هورن و ون میتر
هشدارها و شرایط دستوری برای پذیرش اجرای خط‌مشی: ۱. اجرا نباید از خط‌مشی جدا باشد ۲. از وسایل و ابزارهای مستقیم در اجرا استفاده شود ۳. در نظر گرفتن مبانی علمی و نظری ۴. تدوam رهبری ۵. سادگی و آسان‌سازی خط‌مشی	۱۹۷۳	پرسمن و ویلداوسکی
متغیرهای مستقل موثر بر اجرای سیاست‌ها در این مدل عبارت‌اند از تلفیق درونی از عشق فراوانی (همگرایی)، اندکی ترس (تهدید) و پول مناسب (مبادله)	۱۹۶۷	اتزیونی

چهارچوب نظری. فقرزدایی [۱]، [۳] (ر.ک: پروین، ۱۳۷۳؛ طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳؛ نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ محمودی، ۱۳۸۶؛ راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۷؛ ابونوری و مالکی، ۱۳۸۷)، قوانین و سند‌های تصویب شده در این زمینه و پیوست‌های اجرایی آنها (مانند قانون اساسی، سند چشم‌انداز، طرح‌ها و لوایح تصویب‌شده مجلس شورای اسلامی و غیره) پرداخته است و براساس این مطالعات چالش‌های اجرای خط‌مشی فقرزدایی در ایران را تشریح کرده است:

۱. ابتدا این که طی چند دهه گذشته اگرچه کم‌وبیش و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه فقرزدایی و رفاه اجتماعی سیاست‌گذاری‌هایی انجام و اجرا شده است؛ اما ارزیابی اجرا و نتیجه اجرای خط‌مشی‌های اجرا شده، حاکی از فقدان موفقیت آنها در جامعه ایران بوده است [۱]. به‌طوری‌که براساس تعاریف و معیارهای مرتبط با بازه زمانی ارزیابی‌ها، گستردگی و شدت فقر در جامعه ایران نه تنها کاهش پیدا نکرده است، بلکه روند افزایشی نیز داشته است.

۲. مورد دیگر، مباحث هستی‌شناختی مربوط به فقر و مبارزه با آن است. نحوه مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری فقر، الزاماتی نسبت به انواع، ویژگی‌ها و درنهایت موفقیت سیاست‌هایی که برای کاهش فقر مطرح می‌شوند، به‌وجود می‌آورد [۱۷]؛ به‌گونه‌ای که پذیرش مفاهیم متفاوت فقر، به استفاده از روش‌های فقرزدایی منجر می‌شود و استفاده از هر شاخص خاص فقر، ممکن است به‌طور صریح، خط‌مشی خاصی را برای مبارزه با فقر، تشویق کند؛ به‌عبارت دیگر، روش اندازه‌گیری فقر، در درک و همچنین ارزیابی فقر و حتی نحوه مواجهه با آن تأثیرگذار است [۱۴]؛ بنابراین شاخص‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری فقر، نوع مداخلات سیستم خط‌مشی‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۵]. برای مثال، استفاده از مفهوم فقر نسبی باعث ایجاد تناقضاتی در اندازه‌گیری اثرات سیاست‌های فقرزدایی می‌شود؛ لذا با توجه به مولفه‌های پرتکرار در مبانی نظری و تجربی فقر و فقرزدایی و با توجه

خاص به رویکردها و افق‌های سند چشم‌انداز بیست ساله در راستای مبارزه با فقر، در مدل پیشنهادی پژوهش، مولفه‌های توسعه انسانی از جمله: درآمد، آموزش، عدالت، پایداری، سلامت، جمعیت و مولفه سطح کلان نوآوری و فن‌آوری و نیز بعد اقتصاد و تجارت به‌عنوان ابعاد و مولفه‌های فقرزدایی در ایران انتخاب شده است.

۳. همچنین مرور مبانی نظری تحقیق در زمینه خطمشی فقرزدایی در ایران [۱] و [۳] حاکی از آن است که در این زمینه خطمشی‌های مختلفی ارائه شده است. برخی از خط‌مشی‌های فقرزدایی عبارت‌اند از تعدیل ساختاری، اشتغال‌زایی، افزایش مخارج عمرانی دولت، خطمشی‌های مالیاتی و حمایتی، توسعه نظام تأمین اجتماعی، کنترل تورم و افزایش دستمزدها و درنهایت سیاست‌های پولی، کالایی و تولیدی. اما باوجود غنای مبانی نظری مدل‌های خطمشی فقرزدایی، در زمینه مراحل اجرای این سیاست‌ها و عوامل موثر بر آن، دست کم یک نظریه تولید نشده است. لذا مرور پیشینه تجربی و مدل‌های اجرای خطمشی در داخل و خارج از کشور [۱] نشان می‌دهد که تاکنون در زمینه اجرای خطمشی فقرزدایی مدل جامعی ارائه نشده است. مدل‌های اجرای خطمشی جدا از خود مدل‌های خطمشی، به‌صورت تکمیلی بر مباحث مربوط به چگونگی اجرای مدل‌ها تمرکز دارند. در این مدل‌ها، باید عوامل و موانع اجرای خطمشی، در سطوح مختلف تدوین خطمشی، لایه‌های درگیر در اجرای خطمشی فقرزدایی و گروه‌های ذی‌نفع و محیط آن تشریح شود تا درنهایت اجرای مطلوب خطمشی‌های فقرزدایی تبیین شود.

۴. درنهایت از یک طرف، موضوع فقرزدایی باتوجه به رویکردهای متفاوت در تعریف و تجدید فقر و افراد فقیر، معیارهای متفاوت شناسایی فقرا و جنبه‌های آن و از طرف دیگر، ویژگی‌های متمایز ساختار حاکمیتی و منابع انگیزشی مبارزه با فقر در ایران و امکانات انسانی و مالی آن، باعث تفاوت مقوله فقرزدایی و سیاست‌گذاری‌های آن با سایر خطمشی‌های عمومی می‌شود؛ از این‌رو، امکان استفاده از مدل‌های موجود در زمینه اجرای خطمشی‌های عمومی، در مورد خطمشی فقرزدایی در ایران با کاستی‌های فراوانی روبه‌رو شده است. همچنین، باتوجه به اهمیت مقوله فقرزدایی در منابع دینی و هدف‌گذاری‌های کلان کشوری، ضروری است که جهت جلوگیری از شکست‌های متوالی سیاست‌های فقرزدایی، حتی‌الامکان در مرحله اجرای آن تدابیر ویژه‌ای اندیشید، براین اساس، باید باتوجه به منابع اطلاعاتی تجربی و نظری، مدل ویژه‌ای درجهت اجرای خطمشی فقرزدایی در ایران تدوین شود.

مدل هدف اجرای خطمشی فقرزدایی علاوه بر ارتباط همه‌جانبه با مقوله فقرزدایی و خطمشی‌های آن در ایران، باید دارای سطحی از انتزاع باشد که حتی‌الامکان همه عوامل موثر بر

اجرای خطمشی فقرزدایی را در نظر بگیرد؛ لذا در جهت دستیابی به این مهم از الگوی عام برآمده از مطالعه هیل و هوپ (۲۰۰۲) برای جمع‌بندی و طبقه‌بندی عوامل موثر بر اجرای خطمشی عمومی در تنظیم چارچوب نظری استفاده شده است. در چارچوب نظری برای تدوین مدل اجرای خطمشی فقرزدایی، عوامل مختلف نظری موثر بر اجرای خطمشی براساس جمع‌بندی نظری هیل و هوپ مطرح شده است و در نهایت متغیر وابسته مدل و متغیرهای وابسته خطمشی فقرزدایی ترسیم می‌شود: هیل و هوپ [۱۱]، با بررسی همه نظریه‌های موجود در زمینه اجرای خطمشی‌های عمومی، چارچوبی کلی در مورد عوامل موثر بر اجرای خطمشی ارائه داده‌اند که آنها را در سه سطح عرصه سیاست‌گذاری^۱، عرصه نهادی^۲ و عرصه خرد^۳ طبقه‌بندی کرده است. این عوامل شامل هفت بخش یا متغیر مستقل می‌شوند که در واقع به‌عنوان متغیرهای مستقل مدل پژوهش در نظر گرفته می‌شوند. در طبقه‌بندی آنها عوامل مربوط به ویژگی‌های خطمشی و روند شکل‌گیری خطمشی، به‌عنوان عوامل عرصه سیاست‌گذاری معرفی شده و متغیرهای لایه‌های درگیر در روند خطمشی، روابط بین سازمانی و عوامل موثر بر پاسخ‌های سازمان‌های مجری خطمشی به‌عنوان متغیرهای عرصه نهادی طبقه‌بندی شده و در نهایت دو متغیر تاثیر بازخود افراد تحت تاثیر خطمشی بر اجرا و نیز عوامل محیطی کلان (غیرقابل کنترل) را به‌عنوان متغیرهای عرصه خرد در نظر می‌گیرند [۱۱] توضیحات این متغیرها در ادامه آمده است:

- مشخصات خطمشی: یکی از بخش‌ها یا متغیرهای کلی به عقیده بسیاری از متخصصان، مشخصات یک خطمشی، نحوه اجرای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. معمول‌ترین رویکرد در رابطه با این موضوع، به‌کارگیری طبقه‌بندی لووی^۴ (۱۹۷۲) [۱۳] برای انواع خطمشی‌ها است: توزیعی، توزیعی مجدد، انضباطی-بازدارنده و سازنده^۵. شناسایی مشخصات خطمشی، به دلیل سخت بودن تمایز بین خطمشی‌ها، ممکن است با مشکلاتی مواجه شود. براساس مدل متلند، تضاد بین «ابهام» در مشخصات خطمشی و احتمال بروز «ناسازگاری» در اجرای خطمشی‌ها ممکن است در نگاه اول این مسئله را بازنمایی کند که بعضی خطمشی‌ها ذاتا غیر قابل اجرا باشند [۱۲]؛ بنابراین مشخصات خطمشی می‌توانند بر شناسایی متغیر وابسته (اجرا خطمشی فقرزدایی) تاثیر بگذارند.

1. Policy setting
2. Institutional setting
3. Micro setting
4. Lowi
5. Constituent.

- شکل‌گیری خطمشی: به عقیده هیل و هوپ [۱۱] یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران اجرای خطمشی‌ها این بوده است که با مشورت با طراحان خطمشی‌ها به آنها اعلام کنند که یک خطمشی چه محتویات و شکلی داشته باشد تا اجرای موفق آن را تضمین کنند. در این میان برخی از صاحب‌نظران مانند وان متر^۱ وان هورن^۲ مطالعات خود را به استانداردها و اهداف خطمشی‌ها اختصاص دادند تا بتوانند استانداردهای بیشتری برای تضمین رسیدن به اهداف خطمشی‌ها ارائه دهند [۱۶]. آنها بر اهمیت دسترسی به منابع و محرک‌های خطمشی‌ها نیز تأکید می‌کنند. این همان متغیری است که گاگین^۳ و همکارانش (۱۹۹۰) [۹] آن را با عنوان «انگیزش و محدودیت‌های» بالا-پایین^۴ می‌شناسند.

یکی از مسائل پیچیده متعلق به شکل‌گیری خطمشی، دامنه بازخورد و اصلاحات خطمشی در طول زمان شکل‌گیری است [۱۲]. براین اساس، فرآیند شکل‌گیری خطمشی فقرزدایی بر اجرای آن تاثیرگذار خواهد بود و باید دید که چه مولفه‌هایی در شکل‌گیری خطمشی فقرزدایی مستقیماً بر اجرای آن تأثیر می‌گذارد.

- ترازها یا سطوح^۵ و لایه‌های^۶ درگیر در خطمشی (مدیریت عمومی عمودی): مدیریت عمومی عمودی^۷ یکی دیگر از متغیرهای مستقل در چارچوب فکری هیل و هوپ به‌شمار می‌رود که در واقع به مباحث مربوط به سطوح و لایه‌های درگیر در خطمشی و اجرای آن می‌پردازد. در این مباحث بین سطوح و لایه‌ها تمایز قائل می‌شود. از نظر هیل و هوپ، در خطمشی، سطح یا تراز به وسعت فضایی-محیطی و بخش‌های متمایز چرخه خطمشی توجه دارد که به‌عنوان سازه‌های منطقی و تحلیلی در نظر گرفته می‌شوند؛ برای مثال، یک خطمشی امکان دارد در چند سطح میدانی (سطح خیابانی) سطح مدیریتی، سطح میانی و غیره طبقه‌بندی شود؛ اما در بخش دیگر مدیریت عمومی عمودی به بحث لایه‌های درگیر در خطمشی توجه می‌شود.

1. Van Meter

2. Van Horn

3. Goggin

4. Top-down 'inducements and constraints'

5. Levels

6. Layers

7. Vertical public management

منظور از لایه‌ها، بخش‌های مشروع دولتی جدا از هم است که هرکدام به نسبت بخش‌های دیگر دارای قدرتی نسبی است و در مجموع به وسیله ارگان‌های دموکراتیک کنترل می‌شوند. برای مثال، لایه‌ها می‌تواند کل کشور، یک استان و یا یک شهر خاص باشد [۱۲].

- عوامل موثر بر پاسخ عامل‌های مجری خطمشی: در این بخش منظور از سازمان‌های مجری خطمشی و پاسخ‌های آنها در واقع مشخصات کلی سازمان‌ها و وضعیت آنها و مسائل مربوط به رفتار کادر میدانی (سطح خیابان) آنها است [۱۲] وان متر و وان هورن^۱ جنبه‌هایی از مشخصات کلی سازمان‌ها را ارائه می‌دهند:

- مشخصاتی که شامل نظارت سازمانی و مسائل بین سازمانی مانند روابط رسمی و غیررسمی سازمان‌ها با هیئت تدوین‌کننده یا تقویت‌کننده خطمشی می‌شوند [۱۶].

- وضع یا پاسخ مجریان که شامل سه عنصر می‌باشد: میزان آگاهی آنها نسبت به خطمشی، نوع پاسخی که به آن می‌دهند (مثبت، خنثی یا منفی)، میزان شدت آن پاسخ [۱۶].

رفتارهای عاملان اجرای خطمشی فقرزدایی در سطح سازمانی و در سطح کارمندان اجرایی نهایی (سطح خیابانی) واکنش‌هایی نسبت به خطمشی خواهند داشت و این واکنش‌ها بر اجرای خطمشی فقرزدایی تاثیرگذار خواهد بود.

- روابط افقی بین سازمانی: روابط افقی بین سازمانی بر اجرای خطمشی تاثیرگذار است. در رویکردهای جدید اداره خطمشی‌ها، همکاری بین سازمانی بسیار مهم تلقی می‌شود. تاکید زیاد نوشته‌های خطمشی بر فرایند اجرا و فراموش کردن امر مهم همکاری افقی بین سازمان‌ها موجب بروز اهمیت مطالعه مشکلاتی شده است که در این زمینه ظاهر شده‌اند [۱۶].

- تاثیر بازخورد افراد تحت تاثیر خطمشی (جمعیت هدف): هدف نهایی تدوین و اجرای خطمشی در واقع افراد یا گروه‌های ذی‌نفعی (جمعیت هدف) هستند که خطمشی به‌خاطر آنها به‌وجود آمده و بر آنها تاثیر می‌گذارد؛ اما فرایند اجرای یک خطمشی، تحت تاثیر بازخوردهای افرادی که خطمشی بر آنها اعمال می‌شود؛ برای مثال، افراد فقیر در خطمشی فقرزدایی قرار می‌گیرند. این امر بیشتر در خط مشی‌های سامان بخش یا کنترل‌کننده، به‌ویژه زمانی که گروه‌های ذی‌نفع، صاحب

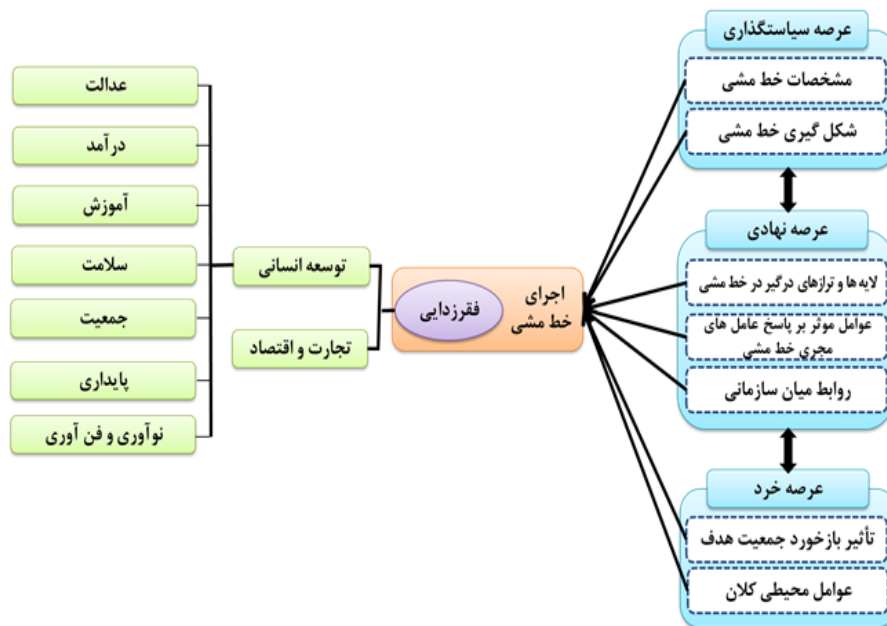
1. Van Meter, D. and Van Horn, C.E.

قدرت باشند، اتفاق می‌افتد؛ برای مثال، شرکت‌های بزرگ [۱۶]. این موضوع در مورد خطامشی فقرزدایی زمانی که در برخی از خطامشی‌های آن، بخشی از گروه‌های ذی‌نفع، طبقات ثروتمند جامعه را نیز دربر می‌گیرد و آنها صاحبان قدرت در جامعه هستند، بیشتر مشهود خواهد شد.

- عوامل محیطی کلان: متغیرهای محیطی (غیر قابل کنترل) و متغیرهای قابل کنترل: یکی دیگر از متغیرهای موثر بر اجرای خطامشی در عرصه خرد، عوامل محیطی کلان است. این عوامل فیزیکی و ذهنی مربوط به محیط، بر اجرای خطامشی‌ها تأثیرات مختلفی دارند و می‌توانند نقش سلبی و یا ایجابی در اجرای مطلوب خطامشی ایفا کنند.

عوامل محیطی لزوماً در اختیار و کنترل مدیران سطوح مختلف نیستند؛ به همین جهت، در اجرای خطامشی ممکن است عواملی محیطی به‌عنوان متغیر غیر قابل کنترل ظاهر شوند و از آنجا که قابل دستکاری نیستند، در اجرای خطامشی مشکلاتی به‌وجود آورند [۱۶].

نکته مهم در مورد عوامل محیطی کلان این است که تدوین‌گران و مجریان خطامشی غالباً در زمان ایجاد و تدوین خطامشی این عوامل را در چهارچوب برنامه‌های خود نمی‌گنجانند؛ به همین جهت یکی از نقدهایی که بر مجریان خطامشی‌ها وارد می‌شود این است که به دلیل دور از دسترس و غیر قابل کنترل بودن عوامل محیطی، این عوامل را در اجرای خطامشی نادیده می‌انگارند؛ لذا این عوامل از آنجا که در برنامه تدوین خطامشی لحاظ نمی‌شوند، در اغلب موارد باعث عدم دسترسی به اهداف مطلوب^۱ خطامشی می‌شوند [۱۶]؛ بر این اساس، باید تحقیق کرد که چه عوامل محیطی قابل کنترل و غیرقابل دسترسی بر اجرای خطامشی فقرزدایی تأثیر می‌گذارند. بر اساس چارچوب مذکور، مدل پیشنهادی تحقیق در شکل ۲ ترسیم شده است:



شکل ۲. مدل نظری پژوهش (منبع: محقق)

۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، رسیدن به یک الگوی جامع اجرای خط‌مشی فقرزدایی بوده است. رویکرد روش‌شناسانه آن از نوع ترکیبی بوده که در آن از روش دلفی و تحلیل فازی دینامیک استفاده شده است. موضوع اجرای خط‌مشی و شناسایی عوامل موثر بر آن در حوزه فقرزدایی اگرچه در نهایت مربوط به اکثر شهروندان می‌باشد؛ اما مرجع مطلع در زمینه معرفی عوامل و موانع اجرای خط‌مشی فقرزدایی همان متخصصین امر مدیریت و تصمیم‌گیری عمومی کشور هستند.

محقق با رویکرد قیاسی مدل نظری اولیه را طراحی و تعریف عملیاتی کرده است. در واقع مدل اولیه با استفاده از مرور مبانی نظری در حوزه مدل‌های موجود اجرای خط‌مشی، تحقیقات پیشین و مطالعات شخصی در زمینه ویژگی‌های خاص ساختار سازمانی ایران، ماهیت فقر و خط‌مشی‌های فقرزدایی طراحی شده و توسط طیف لیکرت عملیاتی شده و در بین ۱۵ نفر از مطلعین قانون‌گذار حوزه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌های عمومی با استفاده از روش دلفی، نظرسنجی شده است. همچنین، باید ذکر کرد که دلفی انجام‌شده در سه راند یا سه دوره اجرا شده است. روال انجام پژوهش به این صورت

بوده است که ابتدا پرسشنامه تأیید شده، در راند اول در اختیار اعضای پانل قرار گرفته و نتایج آن در قالب پرسشنامه جدید به آنها برگشت داده شد؛ در راند دوم نیز این رویه ادامه پیدا کرده و در نهایت راند سوم اعضای پانل به توافق لازم رسیده و نتایج از طریق تحلیل معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با استفاده از تحلیل فازی دینامیک و شبکه‌های عصبی فازی، مدل نهایی تدوین شده است. لازم به ذکر است بخش میدانی پژوهش حاضر در قلمرو زمانی سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ انجام شده و قلمرو مکانی آن سراسر ایران را دربر می‌گیرد.

جامعه و نمونه آماری. در این پژوهش، جامعه متخصصین یا خبرگانی که صلاحیت حضور در پانل‌های پژوهش را دارند شامل تمام کسانی است که دست کم در پست مدیر کلی سازمان‌ها بوده و سابقه اجرایی و علمی لازم در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت دولتی را داشته و همچنین حداقل ۵ سال در سمت‌های اجرایی سابقه داشته و ارتباط نزدیک با امر فقرزدایی و رفاه اجتماعی داشته باشند. براین اساس جامعه آماری برای انتخاب اعضای پانل دلفی، شامل نمایندگان است که در کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون اجتماعی مجلس حضور داشته و در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت دولتی و نیز فقرزدایی دانش علمی، تجربه و سابقه اجرایی داشته‌اند؛ به این ترتیب، جامعه مطلعین مورد نظر تحقیق مشخص شده است.

در مطالعه حاضر جهت دسترسی به اجماع نظری و افزایش قابلیت اعتبار نتایج، از افراد همگن برای شرکت در پانل مطالعه، استفاده شده است. باتوجه به این مطالب، تعداد اعضای پانل دست کم ۱۵ نفر از مطلعین واجد شرایط بوده است. این افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند (نمونه‌گیری جهت‌دار یا نظری) به‌عنوان اعضای پانل انتخاب شدند.

ابزار سنجش مفاهیم پژوهش و اعتبار^۱ و پایایی^۲ آن. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در دلفی، پرسشنامه کتبی بوده است. همچنین متغیرهای تاثیرگذار بر اجرای خطمشی فقرزدایی در چارچوب نظری تشریح شده و جهت تعریف عملیاتی آنها در قالب ابعاد و مولفه‌های قابل سنجش، از دستگاه نظری هیل و هوپ (۲۰۰۲) و مبانی نظری و تجربی خلاصه‌شده در جدول ۱ استفاده شده است. در این جریان، تعداد ۹۸ مولفه موثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی از تحلیل ادبیات تجربی و نظری پژوهش و همچنین مطالعات میدانی نویسنده، به‌دست آمد که در نهایت در جریان ارزیابی اعتبار محتوای آن از سوی

1. Validity

2. Reliability

اساتید مدیریت دولتی، تعداد ۸۵ مولفه اولیه موثر بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی جهت سنجش هفت متغیر اصلی مدل نظری اولیه مورد تأیید آنها قرار گرفت. باتوجه به پیشنهادهای ارائه‌شده پرسشنامه مذکور در دو مرحله مورد اصلاح و ویرایش قرار گرفت؛ از جمله این‌که مولفه‌ها از حالت خنثی تغییر یافته و جهت‌دار شده‌اند. اعتبار سازه‌ای ابزار سنجش مفاهیم در پیش‌آزمون انجام شده در بین اعضای پانل دلفی، با استفاده از تحلیل عاملی مرتبه اول ارزیابی شد. همچنین با استفاده از شاخص آلفای کرونباخ، وضعیت همبستگی درونی و پایایی متغیرهای مورد نظر ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفت (که میزان آلفای کرونباخ همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷۰ برآورد شد).

روش تحلیل داده‌ها. اما باتوجه به این‌که در اجرای دلفی از پرسشنامه کتبی همراه با سوالات بسته (طیف لیکرت) استفاده شده؛ بنابراین اطلاعات به‌دست آمده از آن نیز ماهیتاً کمی بوده و برای تحلیل این اطلاعات از روش تحلیل آماری و تحلیل فازی دینامیک استفاده شده است. در روش تحلیل آماری مورد نظر، با استفاده از نرم‌افزار spss، بر شاخص‌های گرایش به مرکز (مد، میانه و میانگین) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف چارکی و انحراف معیار) تمرکز شده و جهت رتبه‌بندی آنها از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شده است. همچنین در نهایت جهت دستیابی به میزان معناداری از اجماع نظری اعضای پانل مورد مطالعه از آماره تاو کندال^۱ استفاده شده است.

در ادامه جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای و تدوین مدل نهایی، مدل معادلات ساختاری الگوی به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار listel بر ساخت شده و میزان برازش آن ارزیابی و شاخص‌های تأثیرگذار بر متغیرهای اصلی پژوهش در مرتبه دوم تحلیل عاملی و مرتبه دوم آن شناسایی شده‌اند. در نهایت یافته‌های به‌دست‌آمده از دلفی با استفاده از تحلیل فازی دینامیک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و با روش سیمولیک^۲ بررسی شده است. انجام این تحلیل نیز با استفاده از نرم‌افزار برنامه‌نویسی MATLAB بوده است. در تحلیل فازی انجام‌شده، ابتدا ۴ شبکه به‌صورت شبکه سوگنو^۳ مدل‌سازی شده و سپس خروجی این چهار شبکه، ورودی شبکه پنجم که اجرای خط‌مشی فقرزدایی توسط آن ارزشیابی می‌شود، قرار گرفته‌اند و در انتها تمامی شبکه‌ها در یک شبکه سیمولینک ارائه شده‌اند.

1. τ Kendall
 2. SIMULINK
 3. SUGENO

۴. تحلیل یافته‌ها

یافته‌های پژوهش به‌ترتیب اجرای تحقیق در سه مرحله ارائه می‌شود. با توجه به گستردگی یافته‌های به‌دست‌آمده، سعی می‌شود مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در هر مرحله ارائه شود. براین اساس در مرحله اول، یافته‌های مربوط به مؤلفه‌های حذف شده و باقیمانده در راند نهایی دلفی به‌صورت کلی رتبه‌بندی و ارائه می‌شود. در مرحله دوم از یافته‌های گسترده معادلات ساختاری و تحلیل عاملی مرتبه اول داده‌ها اجتناب کرده و نتایج مربوط به تحلیل عاملی مرتبه دوم ارائه می‌شود. درنهایت در تحلیل فازی نیز یافته‌های مربوط به ضریب تأثیر مؤلفه‌ها و متغیرهای باقیمانده و مدل نهایی ارائه می‌شود.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای پانل. طبق یافته‌های تحقیق، توزیع سنی اعضای پانل به این ترتیب بوده است که از بین ۱۵ نفر بررسی شده، ۲۰ درصد (۳ نفر) بین ۴۰ الی ۵۰ سال سن داشته و ۵۳/۳ درصد (۸ نفر) بین ۵۱ الی ۶۰ سال عمر داشته و ۲۶/۷ درصد (۴ نفر) نیز بالای ۶۰ سال بوده و همه افراد بررسی شده مرد بوده‌اند. در این بین ۳۳/۳ درصد افراد (۵ نفر) فوق‌لیسانس بوده و ۶۶/۶ درصد نیز دکترای تخصصی داشته‌اند. طبق یافته‌های آماری، رشته تحصیلی ۱۰ نفر (۶۶/۶ درصد) اعضای پانل در حوزه مدیریت بوده و ۴ نفر (۲۶/۷ درصد) نیز در حوزه علوم اقتصادی تحصیل کرده و تنها یک نفر، دکتری حسابداری داشته است. همچنین در بین اعضای پانل انتخاب شده، تعداد ۱۱ نفر آنها در دانشگاه مشغول به تدریس بوده‌اند.

درنهایت توزیع فراوانی سابقه تجربی افراد به این صورت بوده است که در بین اعضای پانل، ۳ نفر (۲۰ درصد) آنها بین ۶ تا ۱۰ سال سابقه اجرایی داشته و ۳ نفر دیگر نیز بین ۱۱ الی ۱۵ سال سابقه داشته و ۳ نفر دیگر هم حدود ۱۶ الی ۲۰ سال در پست‌های مختلف مدیریتی و به‌خصوص پست‌های مرتبط با اجرای سیاست‌های کلان، مشغول به فعالیت بوده‌اند. درنهایت ۶ نفر از اعضای پانل (۴۰ درصد) بالای ۲۰ سال سابقه اجرایی در ارگان‌های مختلف کشور داشته‌اند.

رتبه‌بندی مؤلفه‌های باقیمانده و حذف شده راند نهایی دلفی. در این بخش مؤلفه‌های مختلف متغیرهای اصلی تحقیق براساس ارزیابی اعضای پانل نسبت به میزان تأثیرشان بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی رتبه‌بندی شده و در دو گروه مؤلفه‌های باقیمانده و حذف شده، طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین ضریب تاوکندال راند نهایی نیز در آن ذکر شده است:

جدول ۰۲. شاخص‌های آماری رتبه‌بندی مولفه‌های قابل قبول و حذف شده و ارزیابی میزان اجماع بین اعضای پانل

اولویت	میانگین رتبه‌بندی	مؤلفه‌ها
۱	۷۹/۱۳	میزان توفیق در تعریف فقر و فقرزدایی
۲	۷۹/۱۳	فقدان آرمان‌گرایی و واقعی بودن خط‌مشی
۳	۷۸/۸۰	وجود نظریه علمی معتبر، منطقی و علمی
۴	۷۵/۶۷	پیش‌بینی اثرات عمدی و غیرعمدی اجرای خط‌مشی
۵	۷۵/۴۷	دسترسی به منابع و در نظر گرفتن محدودیت‌های آن و انگیزش لازم
۶	۷۲/۱۰	صراحت و وضوح: قابل درک بودن خط‌مشی برای همه
۷	۵۹/۰۷	تعریف دقیق گروه هدف
۸	۵۹/۰۷	جامعیت: پیش‌بینی همه جوانب اجرای خط‌مشی و پاسخ‌های آن
۹	۵۹/۰۷	هم‌راستایی خط‌مشی در دولت‌های مختلف
۱۰	۵۹/۰۷	تعهد به اهداف قانونی، مهارت سیاسی و مدیریتی مقامات سازمان‌های مجری
۱۱	۵۹/۰۷	داشتن تعهد، تخصص و تجربه کافی مجریان
۱۲	۵۹/۰۷	توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه
۱۳	۵۹/۰۷	ارزیابی و در نظر داشتن تغییرات ساختار طبقاتی و درآمدی گروه‌های هدف
۱۴	۵۸/۸۷	مشخص بودن ابزارهای اجرا
۱۵	۵۸/۸۳	تعال و تلفیق درونی عشق (همگرایی)، ترس (تهدید) و پول (مبادله) در اجرای خط-مشی
۱۶	۵۸/۳۷	حقوق و دستمزد کافی برای مجریان
۱۷	۵۷/۲۷	سازگاری بین مشخصات خط‌مشی
۱۸	۵۷/۰۷	شفافیت و نبود تضاد در مشخصات خط‌مشی
۱۹	۵۷/۰۷	شناخت دقیق سازمان‌های مجری، منابع و مکانیسم‌های سیاست‌گذاری
۲۰	۵۷/۰۷	حمایت افراد و نهادهای قانونگذار
۲۱	۵۶/۹۷	ارزیابی دامنه بازخورد و اصلاحات خط‌مشی در زمان شکلگیری
۲۲	۵۶/۹۳	مشورت طراحان خط‌مشی با صاحب‌نظران در مورد محتویات و شکل خط‌مشی
۲۳	۵۶/۷۳	دخالت ندادن دغدغه‌های سیاسی در خط‌مشی
۲۴	۵۵/۵۰	توجه به ویژگی‌های شخصی و جمعیتی و طبقاتی گروه هدف
۲۵	۵۵/۴۰	تعیین استانداردها و اهداف خط‌مشی برای تضمین رسیدن به هدف
۲۶	۵۵/۳۷	در نظر گرفتن اندازه و تنوع گروه هدف و تغییرات رفتاری ناشی از اجرای خط‌مشی
۲۷	۵۵/۲۷	تدقیق در روابط همکاری سازمان‌ها جهت افزایش توانایی بررسی دقیق روابط بین سازمان‌ها
۲۸	۵۵/۲۳	درک مشترک کادر خیابانی (کارکنان خط مقدم) از اجرای خط‌مشی
۲۹	۵۵/۱۷	مستدل بودن خط‌مشی: بر مبنای اطلاعات دقیق و صحیح
۳۰	۵۵/۱۷	مثبت بودن پاسخ مجریان و شدت بالای این پاسخ در برابر پاسخ‌های منفی و خنثی

مؤلفه‌های باقیمانده مورد توافق

جدول ۲. شاخص‌های آماری... (ادامه)

۳۱	۵۵/۱۰	موافقت مدیر با اجرای خطمشی
۳۲	۵۴/۸۳	در نظر گرفتن نقش گروه‌های هدف در تعیین خطمشی فقرزدایی
۳۳	۵۳/۴۷	هماهنگی اجزای خطمشی
۳۴	۵۳/۴۷	تمرکززدایی در لایه‌های اجرایی
۳۵	۵۳/۲۳	افزایش مشارکت جمعیت هدف در اجرا
۳۶	۵۳/۲۰	افزایش نظارت سازمانی
۳۷	۵۳/۰۷	توجه به منافع گروه‌های هدف
۳۸	۵۲/۹۷	عدم تکثر خطمشی فقرزدایی و مشخص بودن خطمشی فقرزدایی در ایران
۳۹	۵۱/۵۷	ارزش‌ها و گرایش‌های مجریان و همسویی آنها با اجرای خطمشی
۴۰	۵۱/۴۷	انعطاف‌پذیر بودن خطمشی
۴۱	۵۱/۲۳	افزایش آگاهی مجریان از خطمشی
۴۲	۵۱/۲۳	اعتماد سازمان‌های مجری به همدیگر
۴۳	۵۰/۱۳	همسویی خطمشی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
۴۴	۴۹/۴۳	نقش و جهت‌گیری مثبت گروه‌های ذی‌نفع صاحب قدرت و ثروت
۴۵	۴۸/۵۷	تعیین اثرات و واکنش‌های گروه‌های هدف در اجرا
۴۶	۴۸/۲۳	کنترل کردن قدرت نسبی بخش‌های مشروع دولتی
۴۷	۴۸/۲۰	کاهش دخالت ملاحظیات سیاسی کوتاه‌مدت مجریان در اجرا
۴۸	۴۸/۱۰	تغییرات شرایط روحی (اخلاقی) جامعه
۴۹	۴۷/۷۳	کنترل رقابت‌های رسمی در درون لایه‌ها
۵۰	۴۷/۳۷	همگرایی و پیوستگی بین جریان‌های تبیین مشکل، طرح سبسی و سیاست‌گذاری حل فقرزدایی
۵۱	۴۷/۰۷	ارتباط بین سطوح میدانی (سطح خیابانی) سطح مدیریتی، سطح میانی
۵۲	۴۶/۹۷	اختصاص اعتبارات و منابع مالی، حقوقی و سیاسی کافی
۵۳	۴۶/۷۳	در نظر گرفتن دانش و فن‌آوری
۵۴	۴۵/۹۷	علاقه مجریان و کادر خیابانی (کارکنان خط مقدم) به اجرای خطمشی
۵۵	۴۵/۸۰	اعمال مدیریت دولتی افقی
۵۶	۴۵/۲۷	مدیریت میزان اختیارات لایه‌ها به صورت جداگانه مثل استان و شهر
۵۷	۴۴/۶۰	داشتن چهارچوب تعیین نقش سازمان‌ها در نوع همکاری
۵۸	۲۹/۱۰	کنترل فشار و قدرت گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در زمان شکل‌گیری
۵۹	۲۹/۰۵	تعیین نقش سازمان‌های دولتی و غیردولتی در اجرای خطمشی فقرزدایی
۶۰	۲۸/۹۴	داشتن روابط رسمی و غیر رسمی سازمان‌ها با تدوین‌کنندگان و تقویت‌کنندگان خطمشی
۶۱	۲۸/۸۳	توجه به اثرات جهانی شدن
۶۲	۲۸,۴۴	داشتن روابط رسمی و غیر رسمی سازمان‌ها با تدوین‌کنندگان و تقویت‌کنندگان خط- مشی

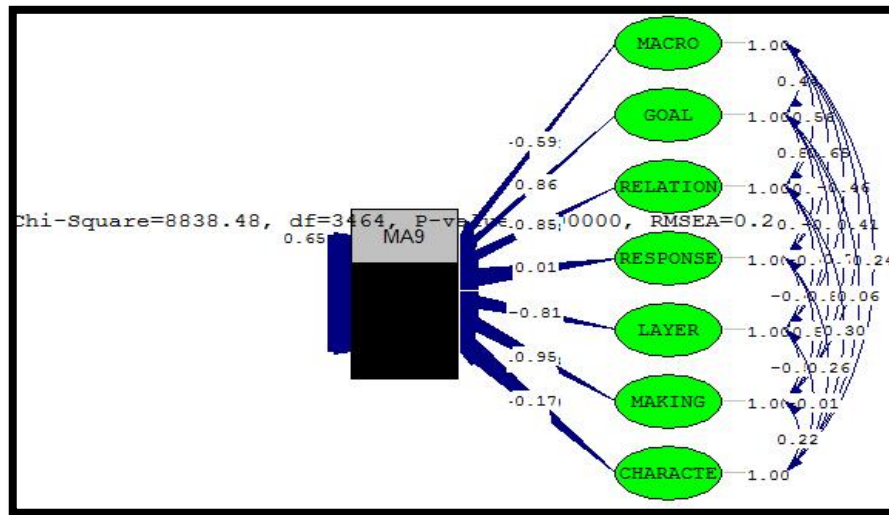
جدول ۲. شاخص‌های آماری... (ادامه)		
۶۳	۲۸/۲۵	رفع تخلفات سازمانی با حذف یا ادغام سازمانی
۶۴	۲۸,۰۰۲	توجه به ویژگی‌های سلبی و ایجابی جمعیت هدف در زمان شکل‌گیری خط‌مشی
۶۵	۲۷/۹۳	وابستگی همکاری بین سازمانی در چارچوب اجرای خط‌مشی به شبکه‌ای از روابط سازمانی
۶۶	۲۵/۹۳	روشن بودن مقررات و قوانین اجرا برای مجریان
۶۷	۲۵/۴۷	تمرکززدایی ترازوی یا سطحی در اجرا
۶۸	۲۴/۷۳	تعیین مسائل و مشکلات ناشی از اجرای خط‌مشی
۶۹	۲۳/۸۰	چانه‌زنی و مذاکره بین مجریان و جمعیت هدف
۷۰	۲۳/۴۷	وجود اولویت نسبی در اهداف قانونی خط‌مشی
۷۱	۲۰/۰۷	تعیین نحوه تاثیر خط‌مشی‌ها بر ذی‌نفعان
۷۲	۲۰/۷۷	درگیر کردن دریافت‌کنندگان خط‌مشی با تصمیم‌گیرندگان خط‌مشی در تحلیل‌ها و مراحل تدوین
۷۳	۲۰/۰۳	تعیین اختیاری، تشویقی و داوطلبانه بودن یا تنبیهی، سلبی و اجباری بودن مشارکت جمعیت هدف در اجرا براساس ماهیت خط‌مشی فقرزدایی
۷۴	۱۸/۷۰	توجه به شرایط بین‌المللی و نیروی اقتصاد جهانی
۷۵	۱۵/۹۳	توجه به اولویت‌های بخش‌های خصوصی در خط‌مشی
۷۶	۱۰/۶۰	ارزیابی و در نظر گرفتن تغییرات جمعیتی
۷۷	۱۰/۲۳	کنترل تکثیر لایه‌های اجرای خط‌مشی
۷۸	۱۰/۱۰	توافق همگانی در مورد خط‌مشی
۷۹	۹/۲۷	اعمال عقلانیت قانونی، سیاسی، فنی یا حرفه‌ای و اقتصادی در تدوین خط‌مشی
۸۰	۸/۸۰	تمایل مدیر به اجرای خط‌مشی
۸۱	۸/۳۳	ایجاد فهم و دید مشترک ملی از خط‌مشی فقرزدایی
۸۲	۶/۵۷	ساختار بوروکراسی مناسب
۸۳	۶/۲۷	نگرش مثبت سازمان‌های مجری به همکاری
۸۴	۳/۰۳	اجرای آزمایشی و ارزیابی بازخورد خط‌مشی
۸۵	۲/۸۳	همکاری بالا در سطوح محلی
خی دو: ۱۰۲۱/۴۱۱		تاو کندال: ۰/۸۱۱
مقدار معناداری: ۰/۰۰۰		درجه آزادی: ۸۴

مؤلفه‌های حذف شده

براساس نتایج اندازه‌گیری شاخص تاو کندال، مقدار این شاخص و شاخص خی دو در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنادار بوده است؛ همچنین مقدار شاخص تاو کندال در مجموع برابر با ۰/۸۱۱ بوده است که تقریباً ۰/۲ بیشتر از ضریب تاو کندال در راند اول بوده است. بر این اساس نزدیکی شاخص تاو کندال به مقدار یک، نشان‌دهنده شدت توافق و اجماع بین اعضای پانل نسبت به اثرگذاری هریک از مؤلفه‌ها بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی می‌باشد. این آزمون همچنین مؤلفه‌های مختلف را

براساس نظر اعضای پانل نسبت به شدت اثرگذاری آنها بر متغیر وابسته، رتبه‌بندی کرده است. براساس رتبه‌بندی انجام شده که مقدار معناداری نشان‌دهنده واقعی بودن تفاوت بین رتبه مؤلفه‌های مختلف بوده است، مؤلفه‌های میزان توفیق در تعریف فقر و فقرزدایی، فقدان آرمان‌گرایی و واقعی بودن خطامشی، وجود نظریه علی معتبر، منطقی و علمی و پیش‌بینی اثرات عمدی و غیرعمدی اجرای خطامشی، به‌ترتیب بیشترین اثر را بر اجرای خطامشی فقرزدایی می‌گذارند. درحالی‌که براساس نظر ایشان، مؤلفه‌ای ساختار بوروکراسی مناسب، نگرش مثبت سازمان‌های مجری به همکاری، اجرای آزمایشی و ارزیابی بازخورد خطامشی و درنهایت مؤلفه همکاری بالا در سطوح محلی کمترین اثر را بر اجرای خطامشی فقرزدایی می‌گذارند و بنابراین از مؤلفه‌های اثرگذار بر متغیر وابسته حذف شده‌اند. براساس این نتایج از بین ۸۵ مؤلفه وارد شده به تحلیل دلفی، درنهایت تأثیر ۶۴ مؤلفه مورد توافق قرار گرفته و ۲۱ مؤلفه، تأثیر قابل‌قبولی بر اجرای خطامشی فقرزدایی نداشته و در این مرحله از تحلیل حذف شده‌اند.

تحلیل معادلات ساختاری. در این بخش میزان برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل نظری مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا جهت برازش وضعیت بار شدن متغیرهای آشکار (مؤلفه‌های پذیرفته شده) بر متغیرهای پنهان (متغیرهای اصلی تحقیق) برای هر یک از متغیرهای تحقیق تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول صورت گرفت. به این ترتیب ۶۴ مؤلفه پذیرفته شده براساس متغیر اصلی متناظر با آنها وارد تحلیل شده و درنهایت با توجه به بارهای عاملی معنادار، متغیرهای اصلی تحقیق به‌وسیله مؤلفه‌های معتبر مدل‌های برازش شده، برساخته شدند. در مرحله دوم تحلیل معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم صورت گرفته و وضعیت ساختاری آنها در شکل‌دهی مدل اجرای خطامشی فقرزدایی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج این تحلیل در قالب مدل ضرایب استاندارد و جدول شاخص‌های برازش، ارائه شده است:



شکل ۳. ضرایب تخمین استاندارد تحلیل عاملی مرتبه دوم متغیر اجرای خطمشی فقرزدایی

جدول ۳. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم متغیر اجرای خطمشی فقرزدایی

شاخص برازش	مقدار مطلوب	نتیجه
GFI(goodness of fit index)	> ۰/۱۱	۰/۶۵
RMSEA(Root Mean Square Error of Approximation)	< ۰/۲۲	۰/۱۱
RMR(root mean square residual)	< ۰/۱۸	۰/۱۷
NFI (Normed Fit Index)	> ۰/۵۰	۰/۶۸
NNFI (Non-Normed Fit Index)	> ۰/۵۰	۰/۷۲
CFI (Comparative Fit Index)	> ۰/۹۰	۰/۹۶

جدول ۳ شاخص‌های برازش تحلیل عاملی مرتبه دوم این متغیر را نشان می‌دهد که باتوجه به این جدول تمام شاخص‌ها در سطح مطلوبی قرار دارند و این سازه با داده‌های جمع‌آوری شده برازش داشته و از روایی لازم برخوردار است. تفسیر نتایج حاصل از ارزیابی تحلیل عاملی مرتبه دوم متغیر خطمشی فقرزدایی نشان می‌دهد که با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل معادلات ساختاری از بین هفت متغیر مستقل مؤثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی تعداد سه متغیر (ویژگی‌های خطمشی، لایه‌ها و سطوح درگیر در خطمشی و عوامل مؤثر بر پاسخ عوامل اجرا) حذف شده و چهار متغیر (روابط افقی بین سازمان، شکل‌گیری خطمشی، تأثیر بازخورد جمعیت هدف و زمینه‌ها یا عوامل

محیطی کلان) آن وارد تحلیل فازی دینامیک شده است. همچنین از بین ۶۴ مؤلفه پذیرفته شده در تحلیل دلفی، تعداد ۲۹ مؤلفه واجد شرایط ورود به تحلیل فازی بوده‌اند که در واقع چهار متغیر اصلی عوامل محیطی کلان (۶ متغیر)، تأثیر بازخورد جمعیت هدف (۶ متغیر)، روابط افقی بین سازمانی (۸ متغیر) و شکل‌گیری خطمشی (۹ متغیر) را تشکیل می‌دهند.

تحلیل فازی و اجرای مدل نهایی. ساختار شبکه‌های ایجاد شده در هر سیستمی روابط مستقیمی با تمامی متغیرهای موجود در ایجاد شبکه دارند. یک شبکه با وجود متغیرهایش پا از عرصه نظری فراتر می‌گذارد و به عرصه عمل وارد می‌شود. این پژوهش، دارای ۷ متغیر اصلی و ۸۵ متغیر فرعی بوده است که بعد از اجرای دلفی به ۶۴ مؤلفه تقلیل پیدا کرده و پس از ارائه متغیرها در نرم‌افزار لیزرل و محاسبات عددی آن در نهایت به ۴ متغیر اصلی و ۲۹ متغیر فرعی تبدیل شده است. ابتدا ۴ شبکه به صورت شبکه سوگنو مدل‌سازی شده و سپس خروجی این چهار شبکه، تبدیل به ورودی شبکه پنجم که اجرای خطمشی فقرزدایی توسط آن ارزشیابی می‌شود، شده است و در انتها تمامی شبکه‌ها در یک شبکه سیمولینک ارائه شده‌اند؛ لذا در این بخش ابتدا روند کلی اجرای تحلیل فازی با استفاده از نرم‌افزار MATLAB ارائه شده و از گزارش اشکال Rule ها و شکل‌های سه‌بعدی و نیز جداول شبکه عصبی خودداری می‌شود. براین اساس بر نتایج اصلی از ضرایب تأثیر مؤلفه‌ها و متغیرهای تحقیق در مدل نهایی فازی تمرکز می‌شود:

در این تحلیل، منظور تعیین میزان اجرای خطمشی فقرزدایی با دو عامل الف) میزان تاثیرگذاری هر کدام از متغیرها در تعیین ارزش اجرای خطمشی فقرزدایی با بهره‌گیری از قوانین IF-THEN و مدل‌سازی استنتاج فازی و ب) درجه جدی بودن هر کدام از متغیرها در یک شرکت مورد نظر با رجوع به نظر خبرگان به دست آمد. در جدول ۴ ضرایب برآورد اجرای خطمشی فقرزدایی بر اساس داده‌های حاصل از تحلیل فازی که از نظرات متخصصان اعضای پانل به دست آمده است، ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج به‌دست آمده جهت اجرای خط‌مشی فقرزدایی

متغیرها	مولفه‌ها	ضرایب تاثیر در اجرا
شکل‌گیری خط‌مشی	دسترسی به منابع و در نظر گرفتن محدودیت‌های آن و انگیزش لازم	۳
	هم‌راستایی خط‌مشی در دولت‌های مختلف	۲
	در نظر گرفتن سطح دانش و فن‌آوری	۴
	همگرایی و پیوستگی بین جریان‌های تبیین مشکل، طرح سیاسی و سیاست‌گذاری حل فقرزدایی	۴
	مشورت طراحان خط‌مشی با صاحب‌نظران در مورد محتویات و شکل خط‌مشی	۳
	در نظر گرفتن نقش گروه‌های هدف در تعیین خط‌مشی فقرزدایی	۱
	کنترل فشار و قدرت گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع در زمان شکل‌گیری	۴
	تعیین استنادها و اهداف خط‌مشی برای تضمین رسیدن به هدف	۱
	ارزیابی دامنه بازخورد و اصلاحات خط‌مشی در زمان شکل‌گیری	۵
	تدقیق در روابط همکاری سازمان‌ها جهت افزایش توانایی بررسی دقیق روابط بین سازمان‌ها	۴
روابط افقی بین سازمان	اعتماد سازمان‌های مجری به همدیگر	۴
	داشتن چهارچوب تعیین نقش سازمان‌ها در نوع همکاری	۳
	اعمال مدیریت دولتی افقی	۱
	تعیین نقش سازمان‌های دولتی و غیردولتی در اجرای خط‌مشی فقرزدایی	۵
	تقویت افقی بین سازمان‌های مجری	۱
	رفع تداخلات سازمانی با حذف یا ادغام سازمانی	۴
	نگرش مثبت سازمان‌های مجری به همکاری	۴
	در نظر گرفتن اندازه و تنوع گروه هدف و تغییرات رفتاری ناشی از اجرای خط‌مشی	۳
	افزایش مشارکت جمعیت هدف در اجرا	۲
	توجه به منافع گروه‌های هدف	۲
تأثیر بازخورد افراد تحت تأثیر خط‌مشی	نقش و جهت‌گیری مثبت گروه‌های ذی‌نفع صاحب قدرت و ثروت	۳
	تعیین اثرات و واکنش‌های گروه‌های هدف در اجرا	۴
	توجه به ویژگی‌های شخصی و جمعیتی و طبقاتی گروه هدف	۳
	پیش‌بینی اثرات عمدی و غیرعمدی اجرای خط‌مشی	۴
عوامل محیطی کلان	توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه	۵
	ارزیابی و در نظر داشتن تغییرات ساختار طبقاتی و درآمدی گروه‌های هدف	۳
	همسویی خط‌مشی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۴
	توجه به اثرات جهانی شدن	۱
	ارزیابی و در نظر گرفتن تغییرات جمعیتی	۵

با توجه به روش فازی انجام شده، پنج شبکه مربوطه در یک ساختار شبکه‌ای سیمولینک به یکدیگر متصل می‌شوند؛ یعنی هر چهار شبکه به‌عنوان ورودی‌های شبکه پنجم مطرح می‌شوند که کلیه آنها در یک ساختار سیمولینک در نظر گرفته شده است. با تعیین میزان تاثیرگذاری هر یک از متغیرها، مدل به یک نتیجه کلی در خصوص میزان اثر و اهمیت هر متغیر به‌صورت کلی می‌رسد؛ اما آنچه در این تحقیق بیان‌کننده تفاوت میزان متغیرهای موجود در شهرها است، درجه جدی بودن هر متغیر در شهرهای مختلف بوده که پس از افزوده شدن وزن آن به هر متغیر در فضای نرم‌افزار در نهایت اجرای خطمشی فقرزدایی در شهرهای گوناگون ارزیابی می‌شود. پس از ارائه درجه تاثیرگذاری هر ۲۹ متغیر (جدول ۴) شبکه‌های عصبی - فازی ایجاد می‌شود. پس از ایجاد شبکه‌ها با ارائه درجه جدی بودن در محیط مورد مطالعه (جدول ۵) می‌توان اجرای خطمشی فقرزدایی را با درصد مربوطه در این محیط ارزیابی کرد. پس از ارائه احتمالات جدول ۴ به مدل سیمولینک ایجاد شده، نتیجه هر شبکه در جدول ۵ ارائه شده است:

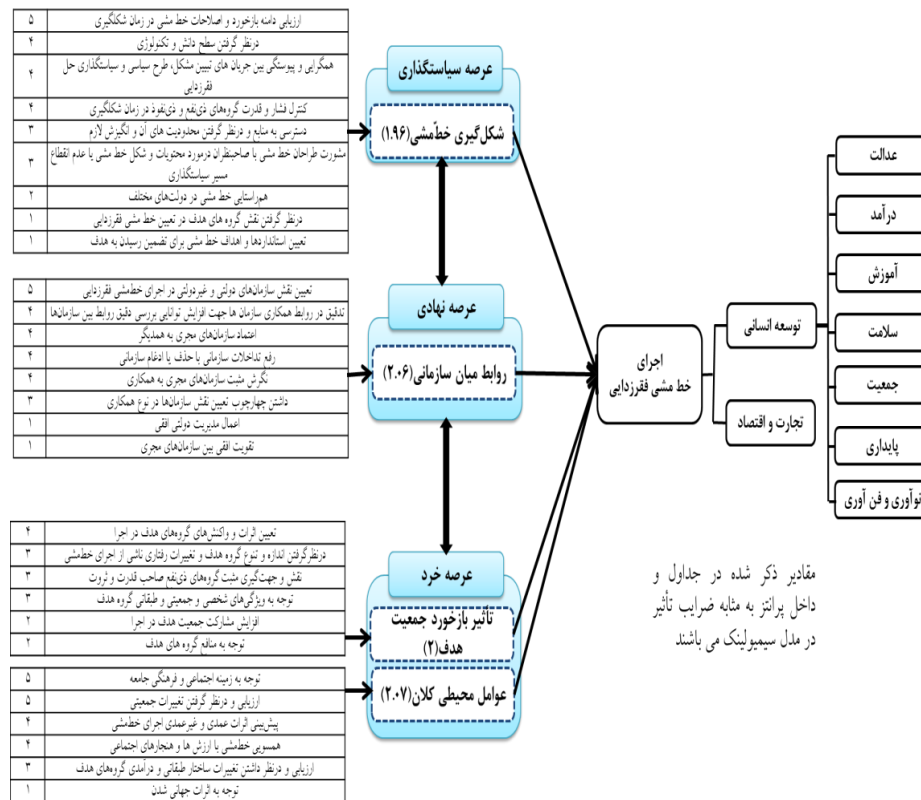
جدول ۵. نتایج حاصل از شبکه‌های عصبی - فازی در مدل سیمولینک اجرای خطمشی فقرزدایی

ردیف	متغیرها	نتایج
۱	شکل‌گیری خطمشی	۱/۹۶
۲	روابط افقی بین سازمان	۲/۰۵۷
۳	تاثیر بازخورد افراد تحت تاثیر خطمشی (جمعیت هدف)	۲
۴	عوامل محیطی کلان	۲/۰۷۲
۵	اجرای خطمشی فقرزدایی در محیط مورد مطالعه	۱/۰۵۹

پژوهشگر در این تحقیق در پی ارائه مدلی جهت بررسی و تحلیل میزان اجرای خطمشی فقرزدایی با بهره‌گیری از شبکه عصبی فازی بوده است؛ لذا در مبانی نظری، عمده‌ترین متغیرهای تاثیرگذار بر اجرای خطمشی فقرزدایی شناسایی شده و در ادامه با استفاده از تحلیل آماری و تحلیل عاملی، متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفته و به چهار بخش عمده تقسیم شد؛ در گام بعد نیز با بهره‌گیری از نظر خبرگان قوانین IF-THEN هر یک از شبکه‌ها تعیین شد؛ پس از تعیین متغیرهای تاثیرگذار بر اجرای خطمشی فقرزدایی با مدل‌سازی استنتاج فازی، ضمن تعیین میزان تاثیر هر یک از شاخص‌ها، امکان مقایسه متغیرهای تاثیرگذار بر اجرای خطمشی فقرزدایی به‌صورت کلی فراهم شد. در نهایت به‌منظور تعیین ارزش عملی اجرای خطمشی فقرزدایی براساس سند چشم‌انداز، با توجه به درجه جدی بودن متغیرها با نظرسنجی از خبرگان و با اختصاص وزن به هر یک از متغیرها در شبکه عصبی فازی،

قابلیت اجرای موفق خطمشی فقرزدایی براساس سند چشم‌انداز بیست ساله در محیط مورد مطالعه برابر با ۱/۰۵۹ (خیلی ضعیف) می‌باشد.

باتوجه به نتایج نهایی از تحلیل فازی، درنهایت مدل اجرای خطمشی فقرزدایی در پاسخ به سوال اصلی پژوهش به‌ترتیب اثرگذاری شاخص‌ها و مولفه‌ها در زیر آمده است. در این مدل، براساس تحلیل شبکه‌های فازی - عصبی میزان ضرایب تاثیر هرکدام از متغیرها و مولفه‌ها در مقایسه با یکدیگر براساس مدل سیمبولینک گزارش شده است. براین اساس هرچقدر ضریب تاثیر بالاتر رود نقش و اهمیت متغیر در اجرای خطمشی فقرزدایی بیشتر می‌شود. در مدل مذکور، از بین عامل‌های اصلی موثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی عوامل محیطی کلان در رتبه اول اثرگذاری قرار داشته و بعد از آن روابط افقی بین سازمانی بیشترین ضریب را داشته است. تاثیر بازخورد جمعیت هدف نیز با کمی تفاوت در رتبه سوم اثرگذاری قرار داشته و درنهایت متغیر شکل‌گیری خطمشی قرار داشته است که نسبت به سایر عامل‌ها نقش کمتری در اجرای خطمشی فقرزدایی ایفا کرده است. باتوجه به مدل مفهومی تحقیق و مقایسه آن با نتایج تحلیل فازی، درنهایت سه متغیر ویژگی‌های خطمشی، لایه‌ها و ترازهای درگیر در خطمشی و عوامل موثر بر پاسخ عامل‌های اجرای خطمشی از مدل حذف شده‌اند؛ چراکه براساس تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل فازی نقش معناداری در اجرای خطمشی فقرزدایی نداشته‌اند. مدل نهایی در شکل ۵ ترسیم شده است:



شکل ۵. مدل نهایی پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر در پی دستیابی به مدل اجرای خط‌مشی فقرزدایی با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله بوده است؛ بنابراین در اهداف خود علاوه بر شناسایی متغیرهای اصلی، بر رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و زیرمتغیرهای مذکور نیز توجه خاصی داشته است؛ چنان‌که در روش تحقیق تشریح شده است. این پژوهش طی فرآیندی سه مرحله‌ای اقدام به تدوین مدل اجرای خط‌مشی فقرزدایی با توجه به محیط مورد مطالعه، کرده است. ابتدا طی انجام دلفی سه مرحله‌ای در بین خبرگان قانون‌گذار واجد شرایط، ۶۴ مؤلفه را به‌عنوان مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی شناسایی کرد. در ادامه با استفاده از مدل معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم را انجام داده و با

ارزیابی برازش مدل به‌دست‌آمده، درنهایت با توجه به فاکتور معناداری بار عاملی و جهت مثبت آنها، تأثیر چهار متغیر اصلی و ۲۹ مؤلفه آنها بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی معتبر ارزیابی شده و وارد تحلیل فازی شدند. این متغیرها شامل عوامل محیطی کلان (۶ متغیر)، تأثیر بازخورد جمعیت هدف (۶ متغیر)، روابط افقی بین سازمانی (۸ متغیر) و شکل‌گیری خط‌مشی (۹ متغیر) می‌شوند.

با استفاده از تحلیل‌های چند مرحله‌ای تحلیل فازی به روش سیمولینک، درنهایت ضرایب تأثیر هرکدام از مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی مشخص شد و مدل نهایی اجرای خط‌مشی فقرزدایی براساس این نتایج تدوین و ارائه شد. نتایج مدل فازی نشان داده است که توافق موفقیت اجرای خط‌مشی فقرزدایی در محیط مورد مطالعه در سطح بسیار ضعیفی قرار دارد.

طی بررسی نتایج تحقیق، در عرصه سیاست‌گذاری، شکل‌گیری خط‌مشی تأثیر واقعی بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی داشته است که مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر اجرا در این عامل به‌ترتیب عبارت بوده‌اند از: ارزیابی دامنه بازخورد و اصلاحات خط‌مشی در زمان شکل‌گیری؛ درنظر گرفتن سطح دانش و فن‌آوری؛ همگرایی و پیوستگی بین جریان‌های تبیین مشکل، طرح سیاسی و سیاست‌گذاری حل فقرزدایی؛ کنترل فشار و قدرت گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در زمان شکل‌گیری؛ دسترسی به منابع و درنظر گرفتن محدودیت‌های آن و انگیزش لازم؛ مشورت طراحان خط‌مشی با صاحب‌نظران درمورد محتویات و شکل خط‌مشی یا عدم انقطاع مسیر سیاست‌گذاری؛ هم‌راستایی خط‌مشی در دولت‌های مختلف و درنهایت تعیین استانداردها و اهداف خط‌مشی برای تضمین رسیدن به هدف. همچنین در عرصه نهادی نیز تنها عامل روابط افقی بین سازمانی تأثیر چشم‌گیری بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی داشته است. در این زمینه نیز مؤلفه تعیین نقش سازمان‌های دولتی و غیردولتی در اجرای خط‌مشی فقرزدایی بیشترین ضریب تأثیر را داشته و مؤلفه‌های اعتماد سازمان‌های مجری به همدیگر؛ تدقیق در روابط همکاری سازمان‌ها جهت افزایش توانایی بررسی دقیق روابط بین سازمان‌ها؛ رفع تداخلات سازمانی با حذف یا ادغام سازمانی و نگرش مثبت سازمان‌های مجری به همکاری به یک اندازه بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی تأثیر داشته؛ همچنین مؤلفه داشتن چهارچوب تعیین نقش سازمان‌ها در نوع همکاری در رتبه بعدی تأثیرگذاری قرار داده و درنهایت دو مؤلفه اعمال مدیریت دولتی افقی و تقویت افقی بین سازمان‌های مجری کمترین تأثیر قابل قبول را بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی داشته‌اند.

در زمینه نقش عوامل عرصه خرد بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی، نتایج تحلیل دلفی و تحلیل فازی دینامیک تحقیق نشان داد دو عامل عوامل محیطی کلان با تأثیر بیشتر و تأثیر بازخورد جمعیت هدف با ضریب تأثیر کمتر بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی تغییرات معناداری ایجاد می‌کنند. در این میان، از

بین مولفه‌های عوامل محیطی کلان، مولفه‌های توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه و ارزیابی و درنظر گرفتن تغییرات جمعیتی، باهمدیگر بیشترین ضریب تأثیر را داشته و بعد از آنها، مولفه‌های پیش‌بینی اثرات عمدی و غیرعمدی اجرای خطامشی و همسویی خطامشی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در یک سطح بر اجرای خطامشی فقرزدایی اثر می‌گذارند و درنهایت مولفه‌های ارزیابی و درنظر داشتن تغییرات ساختار طبقاتی و درآمدی گروه‌های هدف و توجه به اثرات جهانی شدن به ترتیب اثرات قابل قبول کمتری بر اجرای خطامشی فقرزدایی در محیط تحقیق می‌گذارند.

در مورد متغیرهای مربوط به تأثیر بازخورد جمعیت هدف نیز مولفه تعیین اثرات و واکنش‌های گروه‌های هدف در اجرا بیشترین ضریب تأثیر را داشته و مولفه‌های درنظرگرفتن اندازه و تنوع گروه هدف و تغییرات رفتاری ناشی از اجرای خطامشی؛ نقش و جهت‌گیری مثبت گروه‌های ذی‌نفع صاحب قدرت و ثروت و توجه به ویژگی‌های شخصی و جمعیتی و طبقاتی گروه هدف با ضریب تأثیر برابر، در رتبه بعدی تأثیرگذاری بر اجرای خطامشی فقرزدایی قرار داشته‌اند. درنهایت دو متغیر افزایش مشارکت جمعیت هدف در اجرا و توجه به منافع گروه‌های هدف بر اجرای خطامشی فقرزدایی در محیط تحقیق اثر داشته‌اند.

با توجه به نتایج در زمینه نقش مؤلفه‌های مربوط به شکل‌گیری خطامشی، پیشنهاد می‌شود، با توجه به قدرت و گستردگی دولت در کشور ایران، قوه مجریه در تعامل با قوه مقننه به صورت اقتداری وارد عمل شود. هیل و هوپ (۲۰۰۲) این نقش دولت را به مدیر اجرایی تمثیل کرده‌اند [۱۰]. در این روش، حکومت ساختار یا فرآیندی را با تمام محتوا وضع کرده و به پیش می‌برد که خود در تمام بخش‌های «چرخه اداره»^۱ آن حضور دارد. نقطه مرکزی نهادهای سیاسی و اداری این مدل، اتخاذ تصمیمات دستوری و نظارت بر اجرای مطلوب آنها است. دولت باید در جریان شکل‌گیری خطامشی عمومی فقرزدایی به صورت موقتی و چرخه‌ای خطامشی را در حالت اجرا قرار داده و با ارزیابی بازخوردهای آن، خطامشی مورد نظر را اصلاح و تدقیق کند. همچنین قوه مقننه و نهادهای تدوین‌کننده خطامشی فقرزدایی باید توجه خاصی به سطح دانش علمی و دانش فنی و فن‌آوری کنونی ایران داشته باشند و با برآورد دقیق اطلاعات علمی و فن‌آوری‌های موجود دست به تنظیم خطامشی مورد نظر بزنند.

از طرف دیگر، مقوله فقرزدایی که ماهیتاً امری اقتصادی به‌شمار می‌رود دارای ذی‌نفعان بسیار گسترده‌ای در سطح جامعه است. این وظیفه دولت است که با اقتدار، فشارهای صاحبان قدرت و منافع

را به شدت کنترل کرده و خطمشی فقرزدایی را در یک فضای بدون فشار و به صورت کاملاً منطقی و نظریه‌پردازی شده و بر مبنای نظریه‌های اجرایی، شکل دهد.

یکی از مشکلات خطمشی‌های فقرزدایی تغییر رویه اجرای آن با انتقال قدرت اجرایی (دولت) بین گروه‌های با سلايق مختلف می‌باشد؛ لذا اجرای موفق خطمشی فقرزدایی به‌عنوان یک خطمشی عمومی بلندمدت، به شدت به تداوم اجرای آنها و همراستایی خطمشی‌ها در بین دولت‌ها، بستگی دارد. همچنین مبانی نظری تحقیق نشان داده است که روشن بودن اهداف خطمشی و تعیین دقیق سطوح دست‌یابی به آن به‌عنوان معیار بین موفقیت و شکست خطمشی، در اجرا و ارزیابی خطمشی حائز اهمیت بسیاری می‌باشد. در واقع ارزیابی اجرای خطمشی می‌تواند کلید حل مشکلات گذشته و راه‌گشای اقدامات آتی اجرا باشد. لذا طراحان خطمشی فقرزدایی باید به صورت واقع‌بینانه و بدور از آرمان‌گرایی اهداف حداقلی و استاندارد اجرای خطمشی فقرزدایی را تعیین کنند.

پیشنهاد دیگر مربوط به عرصه نهادی و به‌طور خاص، روابط افقی بین سازمانی می‌باشد. در وهله اول پیشنهاد می‌شود دولت در این عرصه از نقش اقتداری اجتناب کرده و به صورت تعاملی وارد اجرا شود. هیل و هوپ (همان: ۱۸۲) معتقدند که دولت در این عرصه باید به مثابه تنظیم‌کننده و در نقش بازرس ظاهر شود. این شیوه اداره، به کنشگران آزادی عمل می‌دهد؛ اما آنها همیشه وظیفه‌ای دارند که باید به انجام رسانده و اطمینان داشته باشند که چهارچوب به نحو مطلوب عمل می‌کند. در اینجا وظایف با پایه‌های قانونی متناسب با اختیارات دموکراتیک وضع می‌شوند و دولت تنها با دخالت در ابتدا و پایان چرخه اداره، فقط چهارچوب کلی آن را به پیش می‌برد. اما این واقع‌بینانه نخواهد بود اگر انتظار عملیاتی شدن کامل رویکرد تعاملی دولت در این عرصه را داشت؛ چراکه نظام اقتصادی ایران متکی به نفت بوده و اقتصاد آن دولتی است. بخش خصوصی در کشور، نقش چندانی ایفا نمی‌کند؛ در حالی که رویکرد تعاملی به شدت متناظر با سیستم‌های لیبرال با دولت‌های کوچک مقیاس و بدور از اقتصاد سیاسی است. باین وجود، تلاش دولت در جهت رویکرد تعاملی اداره خطمشی فقرزدایی می‌تواند تأثیر مثبتی بر اجرای آن بگذارد. در این زمینه نیز پیشنهادهای اجرایی مختلفی می‌توان ارائه کرد. مهم‌ترین پیشنهاد در این زمینه، تفکیک نقش دولت و نهادهای دولتی از بخش خصوصی و نهادهای تعاونی و مشارکتی می‌باشد. خطمشی فقرزدایی در اجرا باید کاملاً مشخص کرده باشد که نقش هر بخش ساختاری از جامعه ایران چه چیز بوده و چگونه اجرا می‌شود. نهادهای دولتی، خصوصی و تعاونی علاوه بر تفکیک نقش، باید استقلال نقش نیز داشته باشند؛ لذا باید مشخص شده باشد هر سازمانی در هر لایه و ترازوی چه نقشی را باید ایفا کند. از طرف دیگر، تعدد سازمان‌های اجرای خطمشی و تفاوت در نحوه مدیریت آنها (دولتی، خصوصی، نیمه خصوصی و غیره) در نحوه

ارتباط آنها با یکدیگر اشکال ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که اجرای خطمشی فقرزدایی تا حد زیادی وابسته به تدقیق روابط بین سازمان‌های اجرای خطمشی می‌باشد؛ لذا باید در این زمینه تدابیر قانونی و بخشنامه‌ای لازم درجهت افزایش همکاری بین ارگانی و بین سازمان‌های مختلف و جدا از هم، اندیشیده شود. این مهم جز به صورت مشارکتی و با تعامل همه حوزه‌های دولتی، خصوصی و تعاونی امکان‌پذیر نخواهد بود.

یکی از چالش‌های اجرای خطمشی فقرزدایی، وجود سازمان‌های مجری متکثر و موازی با یکدیگر است. این مشکل در ایران به شدت خودنمایی می‌کند. براین اساس، باید در خطمشی تنظیم شده، وظایف هر سازمان مجری جدا از سایر سازمان‌ها باشد و در این باره تداخل نقش ایجاد نشود. یکی از راه‌حل‌های تداخل کارکرد، ادغام سازمان‌های مجری و یا حذف یکی از مجریان می‌باشد. باید وظایف سازمانی طوری تقسیم و مشخص شود که روابط بین سازمان‌ها مبتنی بر یک رابطه افقی تفاهمی و تعاملی باشد. تعامل هم سطح سازمان‌ها در تقویت ارتباطشان مؤثر است. همه موارد پیشنهاد شده در عرصه نهادی زمانی قابل اجرا می‌باشد که دولت نقش تعاملی در ارتباط با سازمان‌های مجری داشته و از اجرای رویکرد عمودی و اقتداری پرهیز کند.

نتایج نشان می‌دهد که در عرصه خرد، هر دو متغیر اصلی عوامل کلان محیطی و تأثیر بازخورد افراد تحت تأثیر خطمشی یا جمعیت هدف، نقش چشم‌گیری بر اجرای خطمشی فقرزدایی داشته‌اند. این متغیرها مربوط به افراد تحت تأثیر در سطح خرد و عوامل محیطی خارج از چارچوب تدوین و اجرای خطمشی می‌شود که به آن عرصه خرد نیز می‌گویند. در عرصه خرد دولت قادر نیست نقش اقتداری در اداره خطمشی ایفا کند؛ چرا که با عکس‌العمل شدید افراد تحت تأثیر آن روبه‌رو خواهد شد. بخشی از این عرصه به‌طور مستقیم وابسته به مقوله مشارکت کنشگران می‌باشد؛ لذا رویکرد اداری دولت در این عرصه باید به صورت ترغیبی باشد. هیل و هوپ (همان) این نقش را به مثابه مدیر عامل بودن دولت تلقی می‌کنند؛ چراکه در اینجا بخش‌های ابتدایی و میانی چرخه اداره خطمشی مهم هستند؛ اما مهمتر این است که هدف واضح و قابل دسترسی باشد؛ چراکه دید روشن و حرکت توافقی به سوی آنها بسیار مهم و ضروری است. دولت باید در این عرصه دیگران را دعوت به مشارکت کرده و به آنها جهت دهد. به این ترتیب، دولت اهداف را تعیین می‌کند و حرکت به سوی آنها تلاشی مشترک بین دولت و کنشگران اجتماعی است.

با توجه به مؤلفه‌های تأثیر عوامل محیطی کلان، طراحان و مجریان خطمشی فقرزدایی باید به صورت همه‌جانبه وضعیت فرهنگی و اجتماعی جمعیت هدف و گروه‌های ذی‌نفع را بسنجند. محتوای خطمشی فقرزدایی و اجرای آن نباید در تعارض با ارزش‌ها و هنجارهای جاری جامعه باشد.

خطمشی فقرزدایی باید از ظرفیت نهفته در انباشته‌های فرهنگی کشور و جمعیت مورد نظر و نیز سرمایه‌ها و قابلیت‌های اجتماعی افراد مورد هدف، نهایت استفاده را برده و از این زمینه‌ها، فرصت‌های اجرای مطلوب خطمشی فقرزدایی خلق کند. برای مثال، زمانی که در محیط هدف دریافت آشکار کمک هزینه، دارای قبح اجتماعی می‌باشد و منجر به انگ‌زنی می‌شود، باید از این سبک‌های اجرای خطمشی خودداری کرد. همچنین در دریافت همکاری گروه‌های ذی‌نفوذ و صاحب قدرت و ثروت در زمینه مبارزه با فقر نیز می‌توان از پشتوانه فرهنگی و دینی و همچنین نیاز آنها به سرمایه‌های اجتماعی و ارتقای منزلتی آنها سود جست.

بر اساس نتایج، متغیر تأثیر بازخورد افراد تحت تأثیر خطمشی فقرزدایی یا همان جمعیت هدف نیز بر اجرای خطمشی تأثیرگذار بوده است. قبل از هرچیز باید ذکر کرد که نحوه اداره اجرای خطمشی در این عرصه باید مبتنی بر مشارکت و به‌صورت دموکراتیک باشد. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود طراحان خطمشی فقرزدایی به‌صورت علمی و با پشتوانه نظریه علمی معتبر، اثرات اجرای خطمشی را بر طیف‌های مختلف جمعیت هدف ارزیابی و اندازه‌گیری کنند. طراحان و مجریان خطمشی فقرزدایی باید آگاهی لازم را نسبت به اثرات پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده بر جمعیت هدف داشته و طی بررسی‌های مقدماتی و آزمایشی و با استفاده از نظریه‌ها و صاحب‌نظران، واکنش‌های جمعیت هدف را قبل از اجرا و در حین اجرا ارزیابی کرده و براین اساس خطمشی و نحوه اجرای آن را تصحیح کنند. همچنین با توجه به رویکرد ترغیبی دولت، تمام ارگان‌های دولتی، خصوصی و تعاونی باید تلاش کنند که میزان مشارکت داوطلبانه جمعیت هدف را به حداکثر برسانند؛ چراکه مشارکت فعالانه و همه‌گیر افراد فقیر به‌شدت در اجرای موفق خطمشی فقرزدایی مؤثر است. یکی از راه‌های افزایش مشارکت جمعیت هدف، توجه بالا و شفاف به منافع آنها و گنجاندن اهداف قابل دسترس و محسوس در خطمشی فقرزدایی می‌باشد. زمانی که جمعیت هدف از امکان دسترسی به منافع خود مطمئن شود، اعتماد وی به عوامل اجرا و محتوای خطمشی فقرزدایی افزایش پیدا کرده و از این طریق نقش به‌سزایی در اجرای موفق آن ایفا می‌کند. همچنین باید به این مهم اشاره کرد که نتایج در مرحله فازی نشان داده است که متغیرهای ویژگی‌های خطمشی، لایه‌ها و ترازهای درگیر در اجرای خطمشی و عوامل موثر بر پاسخ‌های عوامل اجرای خطمشی تأثیر معناداری بر اجرای خطمشی در مدل نهایی نداشته‌اند؛ براین اساس، به محققان این حوزه پیشنهاد می‌شود نسبت به رابطه این عوامل با اجرای خطمشی چه در حوزه فقرزدایی و چه در سایر حوزه‌ها با استفاده از روش‌های علمی، تحقیق به عمل آورند. همچنین پیشنهاد می‌شود که در تحلیل عوامل مؤثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی به‌صورت میدانی به طراحان سیاسی و سیاست‌گذاران خطمشی فقرزدایی، سازمان‌ها و عاملان اجرای

آن در سطح مدیریتی و خیابانی و خود جمعیت هدف مراجعه شده و با استفاده از روش‌های کیفی مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم، عوامل مؤثر بر اجرای خطمشی فقرزدایی را مورد بازبینی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش ارزشیابی، در سه مقطع قبل از شروع، در زمان انجام و بعد از پایان اجرا، میزان دستیابی به اهداف اجرای خطمشی‌های فقرزدایی ارزیابی شده و به‌طور همزمان عرصه‌های اجرای خطمشی مورد تحلیل نظری و تجربی قرار گرفته شود.

منابع

۱. الوانی، سید مهدی؛ پورعزت، علی‌اصغر و نجابت، انسیه (۱۳۹۴). بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری در ایران در زمینه فقرزدایی (مطالعه موردی: لایحه فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۷، شماره ۱، ۱-۱۸.
۲. ارشدی، علی و کریمی، عبدالعلی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت فقر در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره یکم، ۳۵-۶۴.
۳. پورعزت، علی‌اصغر و نجابت، انسیه (۱۳۹۱). بررسی خط‌مشی‌های فقرزدایی و رتبه‌بندی آنها، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
۴. توسلی، حمید (۱۳۸۷). ارائه هشت مدل عملیاتی در چرخه سیاست‌گذاری برای اجرای مطلوب سیاست‌ها. مجله راهبرد یاس، شماره ۱، ۷۴-۹۳.
۵. سازمان ملل متحد (۲۰۰۰). اعلامیه هزاره و سند توسعه هزاره سوم. بازدید شده در سایت سازمان ملل.
۶. صادقی، حسین و مسائلی، ارشک (۱۳۸۷). رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد با روند فقر در ایران با استفاده از رویکرد فازی. مجله رفاه اجتماعی، شماره ۷ (۲۸)، ۱۵۱-۱۷۳.
۷. قربانی‌زاده، وجه‌الله و همکاران (۱۳۹۴). تحلیل مسائل اجرای خط‌مشی‌های اداری. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره ۲۴: ۶۷-۹۶.
۸. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). مسائل جدید در سیاست‌گذاری عمومی. جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
9. Goggin, M.L., Bowman, A.O'M., Lester, J.P. & O'Toole, L.J., Jr (1990). Implementation Theory and Practice: Toward a Third Generation. *Glenview Ill. Scott Foresman/Little, Brown and Company*.
10. Habibi, Arash. Sarafrazi, Azam & Izadyar, Sedigheh (2014). Delphi Technique Theoretical Framework in Qualitative Research. *The International Journal Of Engineering And Science (IJES)*, 3(4), 08-13.
11. Hill, Michael & Hupe, Peter (2002). Implementing Public Policy: Governance in Theory and in Practice. *London: Sage Publication*.
12. Hill, Michael & Hupe, Peter. (2002). *Doing Implementation Research*. In *Implementing Public Policy*. London: The Politics Of Central Europe.
13. Lowi, T, J. (1972). Four systems of policy, politics, and choice. *Public Administration Review*, 32 (4): 298-310.
14. Mahmoudi, Vahid. (2001). *Aspects of poverty in Iran. a thesis submitted for the degree of Ph.D in economics*, university of Essex.
15. Scott, W, Guy (2004). Public Policy Failure in Health Care. *Journal of American Academy of Business*, Cambridge; 5, 1/2; ABI/INFORM Global, 88.
16. Van Meter, D, & Van Horn, C, E. (1975). The policy implementation process :A conceptual framework. *Administration and Society*, 6 (4): 445-88.

17. Williamson, Deanna L, & Reutter, Lind, (1999). Defining and measuring poverty: implications for the health of Canadaiaans. *Health Promotion International*, 14(4), 355-364.